

راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران؛ مؤلفه‌های راهبردی و تحولات آینده

رحیم بایزیدی (نویسنده مسئول)^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

چکیده

راهبرد سیاست خارجی مطلوب با استفاده از ظرفیت‌های طرفین، اهداف و ابزارهایی همچون ارتقاء دیپلماسی اقتصادی، تحول دیپلماسی فرهنگی و ارتباط با حوزه‌های تمدنی و فرهنگی مشترک، ایجاد توازن قوا در نظام بین‌المللی، تقویت دیپلماسی دفاعی-نظامی و استفاده از دیپلماسی‌های نوپدید مانند دیپلماسی عمومی، دیپلماسی دیجیتال و استفاده از فضای سایبری با هم‌افزایی دو یا چندجانبه تحقق می‌یابد. در طول سال‌های اخیر، تلاش ایران برای تنش‌زدایی با غرب و حل و فصل ابهامات این کشورها پیرامون برنامه هسته‌ای و سایر حوزه‌های تنش از قبیل فعالیت‌های منطقه‌ای، اختلافات حقوق بشری و برنامه تسلیحاتی، به سرانجام نرسیده و در نتیجه فشار ناشی از تحریم‌ها بر پیکره اقتصاد ایران همچنان پابرجاست. از طرفی دیگر، تحولات نظام بین‌الملل در طول چند دهه اخیر که برخی از آن‌ها تأثیرات مستقیمی بر ایران داشته‌اند، سیاست نگاه به شرق را برجسته‌تر ساخته و پرسش‌های متعددی را در زمینه منطق استدلالی این راهبرد، مؤلفه‌های راهبردی آن، تناسب آن با اصل نه شرقی نه غربی، جایگاه آن در سیاست خارجی ایران، هم‌راستایی با منافع ملی و تهدیدات و فرصت‌های پیش رو مطرح کرده است. پرسش‌های مهم این پژوهش شامل چستی راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران، مؤلفه‌های راهبردی و آینده این راهبرد در افق ۱۰ ساله است که با بهره‌گیری از مفهوم نومنطقه‌گرایی و همچنین مدل سیاست خارجی استراتژیک در دو سطح تحلیل دولتی و بین‌المللی پاسخ داده خواهد شد. فرضیه اساسی پژوهش حاضر این است که راهبرد نگاه به شرق بیش از آنکه یک انتخاب رویکرد برای ایران باشد، یک الزام راهبردی برای تقابل با فشارهای چندجانبه اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، سیاست خارجی، راهبرد نگاه به شرق، تعامل سازنده، دیپلماسی.

۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران rahimbaizidi@ut.ac.ir

مقدمه

دو تغییر عمده‌ای که در سال‌های پس از فروپاشی حادث گردید؛ اول کاهش وزن امور امنیتی و شکل‌گیری روابط اقتصاد پایه میان کشورها و دوم شکل‌گیری قطب‌بندی‌های جدید بین بازیگران قدرتمند و بازتوزیع قدرت در کانون‌های ژئوپلیتیکی جدید بود. این تغییرات باعث دگرگونی در رفتار بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل به موازات ادراک از جایگاه خود در تحولات و میزان نقش‌آفرینی و نقش‌پذیری در معادلات جدید گردید. از جمله اینکه آن‌ها سعی کردند هم‌زمان با تولید ادراک راهبردی از الگوی حاکم بر نظام بین‌الملل، کارکردها و ساختارهای نهادی متناسب با آن را نیز جهت کنشگری فعال در محیط آتی شکل دهند.

ماهیت پویای تحولات نظام بین‌الملل که در چارچوب آن توزیع قدرت مدام در حال تغییر است، نیازمند مواجهه پویا نیز خواهد بود. از جمله مهم‌ترین تحولاتی که در طول چند دهه اخیر حادث گردیده، کسب سهم بیشتر از توزیع جهانی قدرت، توسط کشورهای شرقی است. گرچه این تحول تاکنون منجر به ایجاد تغییرات ساختاری در نظم بین‌المللی نشده، اما زمینه‌های آن را بیش از هر زمان دیگری فراهم ساخته است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۲۰، چهار کشور از ۱۰ کشور برتر تولیدکننده جهان شامل چین، ژاپن، کره جنوبی و هند، کشورهای آسیایی بودند، اما پیش‌بینی‌ها از روند تحول اقتصاد جهانی، نقشی بیش‌ازپیش مهم‌تر را برای قدرت‌های نوظهور اقتصادی در نظر می‌گیرند. انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۵۰، چین و هند به ترتیب تا جایگاه دوم اقتصاد بزرگ جهان صعود کنند. در ادامه، فارغ از آمریکا که در رتبه سوم قرار خواهد گرفت، کشورهای اندونزی، برزیل، روسیه، مکزیک و ژاپن نیز در جایگاه دیگر اقتصادهای بزرگ جهان جای خواهند گرفت.

تعمیق وابستگی متقابل اقتصادی بین قدرت‌های غربی و اقتصادهای نوپا، تدریجاً سبب شد تا این اقتصادها، با شتابی حائز اهمیت، رشد کنند. در همین راستا، ظهور اقتصادهایی همچون چین و ژاپن به‌عنوان دومین و سومین اقتصادهای بزرگ جهان؛ هند، کره جنوبی،

برزیل و کشورهای عضو آ.سه.آن^۱ خصوصاً اندونزی و روسیه، قطبیت اقتصاد جهانی را از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام سوق داده است. در چنین فضای نوینی از نظام بین‌المللی، الزامات پیشبرد راهبرد نگاه به شرق از سوی جمهوری اسلامی ایران و ارائه شناختی قابل اتکا از این راهبرد، ضروری به نظر می‌رسد که مقاله حاضر چنین هدفی را دنبال می‌نماید.

۱. مبانی نظری: نومنطقه‌گرایی و سیاست خارجی راهبردی

فروپاشی شوروی که منجر به پایان جنگ سرد شد، اهمیت ژئوپلیتیکی و منطقه‌گرایی در نظام بین‌الملل را به میزان قابل‌توجهی افزایش داد. در همین چارچوب بسیاری از کشورها، حتی جمهوری‌های منفک شده از اتحاد جماهیر شوروی، نومنطقه‌گرایی را به‌عنوان یکی از اصول و راهبردهای مهم سیاست خارجی خود برگزیدند. الگوی نسبتاً موفق اتحادیه اروپا، ناتو و همچنین آ.سه.آن، سایر کشورها و مناطق را نیز بر آن داشت تا منطقه‌گرایی را در پیش گیرند (آدمی، ۱۳۸۹: ۹۷).

نومنطقه‌گرایی به معنای همکاری درون منطقه‌ای در عین گشودگی برون منطقه‌ای، از رویکردهای نوین در عرصه سیاست خارجی در عصر جهانی‌شدن است. پیش‌شرط تحقق رویکرد نومنطقه‌گرایی، تعادل در برقراری روابط با مناطق جغرافیایی، تثبیت نقش سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایران در منطقه، تضمین مطمئن امنیت کشور در قبال بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، دستیابی به حداکثر امکان همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی با همسایگان و کشورهای منطقه و تقویت جایگاه ارتباطی به‌عنوان راه‌گذار و ترانزیت و دادوستد با جهان خارج است (دهشیری و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۹۲).

سیاست خارجی؛ مفهوم دیگری است که در این مقاله از آن استفاده می‌شود. این مفهوم بر اساس تعریف همچون راهنمایی است که یک دولت در راستای اهداف و منافع خود پیگیری می‌کند (قوام، ۱۳۸۶: ۲۳۱). کی جی هالستی^۲ در یک تعریف دولت‌محور، سیاست

1. ASEAN
2. K. J. Holsti

خارجی را به‌عنوان کنش‌ها و اقدامات یک بازیگر دولتی در محیط خارجی تعریف می‌کند (هالستی، ۱۳۹۰: ۳۲). کریستوفر هیل سیاست خارجی را هم‌سنگ با روابط خارجی معرفی کرده و معتقد است که مجموع روابط خارجی یک بازیگر مستقل را می‌توان سیاست خارجی دانست (هیل، ۱۳۸۷: ۲۴).

یکی از مهم‌ترین مباحث در تحلیل سیاست خارجی، سطح تحلیل است. سطح تحلیل معمولاً به عرصه‌ای اشاره دارد که سیاست خارجی مبتنی بر آن، تحلیل می‌شود. سطح تحلیل فردی معمولاً خردترین سطح تحلیل در سیاست خارجی قلمداد می‌شود. در این سطح، نقش افراد، مسئولان و سیاست‌گذارانی که در تنظیم و اجرای سیاست خارجی دخیل هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلفه‌های مؤثر در این سطح از تحلیل عبارت‌اند از: (۱) خصلت‌ها و خصوصیات فردی تصمیم‌گیرندگان؛ (۲) شرایط و الزامات تصمیم‌گیری؛ (۳) چگونگی و سطح دسترسی به اطلاعات و بهره‌گیری از امکانات داخلی و خارجی و (۴) ساخت نظام تصمیم‌گیری که در تعیین میزان اختیارات و صلاحیت‌های مسئولان نقش اساسی دارد.

سطح تحلیل دولت از دیگر سطوح مهم تحلیل در سیاست خارجی است. در این سطح، تمرکز اصلی بر ویژگی‌های ساختاری نظام سیاسی، حکومتی و اجتماعی است. نوع نظام سیاسی و چگونگی تقسیم قدرت از مؤلفه‌های مهم در سطح تحلیل دولتی به شمار می‌آیند. سطح تحلیل نظام بین‌الملل را می‌توان کلان‌ترین سطح تحلیل سیاست خارجی دانست. ساختار نظام بین‌الملل، قطب‌بندی‌های این نظام و توزیع قدرت بین واحدهای آن از شاخص‌های کلیدی در این سطح به شمار می‌آیند (قوام، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۴۰).

مدل‌های بررسی سیاست خارجی را می‌توان در شش الگو خلاصه کرد:

نخست؛ مدل استراتژیک (منطقی): در چارچوب این الگو، رفتار و عملکرد دولت و نهادهای دولتی که در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سیاست خارجی مسئولیت مستقیم دارند، بر اساس منافع قابل‌تصور از پیگیری سیاست‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دوم؛ مدل تصمیم‌گیری: در این الگو، بیشتر بر جنبه انسانی و روان‌شناختی در فرآیند

سیاست‌گذاری خارجی تأکید می‌شود. این مدل نتیجه گسترش مطالعات روان‌شناختی در سیاست است که بر اساس آن فرد در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نیز عملکرد سازمانی مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله شاخص‌های فردی مهم در این چارچوب عبارت‌اند از انگیزه تصمیم‌گیرندگان، دسترسی آن‌ها به منابع اطلاعاتی، شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری و تأثیر داده‌های سیاست خارجی دیگر بازیگران.

سوم؛ مدل‌سازمانی یا بوروکراتیک: در چارچوب این مدل، رفتارهای سازمانی در چارچوب مسئولیت‌ها، اقتدار، مقررات و ضوابط اداری مورد توجه قرار می‌گیرد. چهارم؛ مدل تطابق و سازواری: در این مدل تأکید اصلی بر نوع واکنش دولت‌ها نسبت به تهدیدها و فرصت‌هایی

پنجم؛ است که در محیط بین‌المللی برای آن‌ها ایجاد شده است.

ششم؛ مدل فزاینده: این مدل به‌خصوص متأثر از تحولات رخ داده در دهه‌های پایانی قرن بیستم است. مفروض این مدل این است که با توجه به فقدان اطلاعات کافی از رفتار بازیگران دولتی و غیردولتی مانند شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌های بین‌المللی و پیچیدگی حاصل از کنش‌ها و اقدامات آن‌ها، تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی در پی یافتن بهترین راه منطقی برای تأمین منافع و تحقق خواست‌ها و منافع ملی نیستند؛ بلکه با اتخاذ تصمیم‌هایی که بیشتر عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری با آن موافق‌اند بسنده می‌کنند.

هفتم؛ مدل سیستمی: به‌طورکلی نقطه تمرکز در این مدل، تأثیرات متقابل نهادها و افراد در روند تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. در این مدل علاوه بر عنایت به کارکردهای ارگان‌ها و سازمان‌های رسمی و دولتی، به نقش مؤسسات، انجمن‌ها، گروه‌های ذی‌نفوذ و نخبگان سیاسی در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی نیز توجه می‌شود (قوام، ۱۳۸۶: ۱۳۳ - ۱۳۵).

بر اساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مدل استراتژیک، راهبرد نگاه به شرق ایران را در دو سطح تحلیل دولتی و بین‌المللی برای تحلیل سیاست خارجی به کار می‌گیرد.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش در نگارش این تحقیق مبتنی بر روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و مبتنی بر رویکرد تحلیلی-توصیفی است. بر این اساس نگارنده به دنبال آن است تا با استفاده از نومنطقه‌گرایی، آینده رویکرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۳. یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های پژوهش، ابتدا رویکرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران بررسی و مؤلفه‌های آن ذکر می‌شود. در درون این بحث یک رویکرد ژئوپلیتیک نیز به منطقه خواهد شد. سپس مؤلفه‌های کاربردی این سیاست به صورت موردی مطرح و تحلیل می‌شود. در ادامه آینده راهبرد نیز در قالب چشم‌انداز ارائه شده و در نهایت نیز الگوی مطلوب جمهوری اسلامی ایران از دل آن استخراج شده و در انتها نیز نتیجه‌گیری ذکر می‌شود. با توجه به این سازمان‌دهی پژوهش، به صورت مفصل در ادامه به هر کدام از این موارد اشاره می‌شود.

۳-۱. راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران

راهبرد سیاست خارجی مطلوب نیازمند جامع‌نگری و در نظر گرفتن ابعاد و عوامل مختلف تأثیرگذار و مولد قدرت در حوزه سیاست خارجی از جمله روابط اقتصادی، فرهنگی، دیپلماسی عمومی و حتی روابط فردی با قدرت‌های در حال ظهور همچون قدرت‌های شرقی است. سیاست خارجی هر کشوری باید در خدمت امنیت ملی، منافع ملی و توسعه آن کشور باشد. هر قدر سیاست خارجی یک کشور کارآمدتر باشد، بهتر می‌تواند هم امنیت ملی را تأمین کرده و هم مسیر رشد و توسعه را در عرصه داخلی و خارجی هموار کند. برخلاف این قاعده کلی، در سال‌ها و حتی دهه‌های اخیر، با استناد به شاخص‌های رشد و توسعه و همچنین سهمی که سیاست خارجی در ارتقاء یا تنزل این

شاخص‌ها داشته، می‌توان این ادعا را مطرح ساخت که سیاست خارجی ایران، حداقل در زمینه فراهم‌سازی الزامات بین‌المللی رشد و توسعه کشور با وضعیت مطلوب فاصله دارد. این امر بیانگر لزوم تغییر در جهت‌گیری‌های راهبردی سیاست خارجی است که سیاست نگاه به شرق را می‌توان یکی از محورهای این تغییر برشمرد (مجیدی و همکاران، ۱۴۰۱).

«سیاست نگاه به شرق» را می‌توان بر اساس مدل راهبردی، الگویی از سیاست خارجی منطقه‌گرایانه تعریف کرد که در چارچوب آن، تقویت پیوندهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی با کشورهای شرقی که در پیرامون ایران قرار دارند، در اولویت روابط خارجی کشور قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه در تقسیم‌بندی مستتر در مفهوم نگاه به شرق، ایران یک کشور شرقی و آسیایی محسوب می‌شود، محیط شرقی در چارچوب محیط پیرامونی ایران دسته‌بندی می‌شود که منشأ اصلی فرصت‌ها و تهدیدات نیز قلمداد می‌گردد (اخوان، ۱۳۹۲). سیاست نگاه به شرق می‌تواند به حداکثر سازی بهره‌برداری از فرصت‌های منطقه آسیا و همچنین حداقل سازی تهدیدات ناشی از این محیط ختم شود که راهبرد مطلوبی در تأمین اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. فرصت‌های ممکن در سطح شرق را می‌توان در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی برشمرد که با توجه به مواجهه کشور با مسئله تحریم‌ها، بعد اقتصادی آن پررنگ‌تر از سایر حوزه‌ها است (بازیدی، ۱۴۰۰). علاوه بر بحث فرصت‌ها، معضلات امنیتی را نیز می‌توان در ابعاد مزبور دسته‌بندی نمود. بحران‌های امنیتی تروریستی، افراط‌گرایی‌های منطقه‌ای، قاچاق کالا و مواد مخدر و بحران‌های زیست‌محیطی از جمله این موارد هستند. با عنایت به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، ابتدا به تعیین حوزه جغرافیایی راهبرد سیاست نگاه به شرق پرداخته می‌شود و سپس مؤلفه‌های راهبردی آن بررسی می‌شود.

۳-۲. حوزه جغرافیایی راهبرد نگاه به شرق

یکی از مسائل و پرسش‌های اساسی در بررسی راهبرد نگاه به شرق، گستره جغرافیایی این سیاست است؛ بنابراین گام اول در مسیر راهبرد سیاست نگاه به شرق، تعریف یا تعیین

حوزه جغرافیایی راهبرد نگاه به شرق است. حوزه جغرافیایی راهبرد سیاست نگاه به شرق را می‌توان به سه طریق تفسیر نمود:

تفسیر حداقلی: در برداشت حداقلی سیاست نگاه به شرق معطوف به تعداد محدودی از کشورهای شرق آسیا شامل چین، ژاپن، کره جنوبی، کره شمالی و تایوان است. معنی شرق در چارچوب این تفسیر شرق آسیا و یا شرق دور است. در بسیاری از متون تحلیلی و حتی سیاسی آمریکا این برداشت رواج دارد که یکی از بارزترین نموده‌های آن راهبرد «چرخش محوری به آسیا»^۱ بود که در دوران ریاست جمهوری اوباما و وزارت هیلاری کلinton طرح شد. گستره جغرافیایی شرق در چارچوب راهبرد چرخش محوری به آسیا، عمدتاً محدود به کشورهای چین، تایوان، کره جنوبی، کره شمالی و ژاپن بود.

تفسیر میانه: در برداشت میانی، سیاست نگاه به شرق معطوف به کشورهایی است که از همسایگان شرقی ایران شروع شده و تا شرق آسیا امتداد می‌یابد. این تعریف کشورهای شرق، جنوب، جنوب شرق و مرکز آسیا را در بر می‌گیرد که شامل افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، چین، ژاپن، هند، مالزی، اندونزی، سنگاپور، کره شمالی، کره جنوبی، برونئی، تایلند، تایوان و ... می‌شود. در تقسیم‌بندی که این تفسیر ارائه می‌کند، ایران مبنا قرار گرفته و طبیعتاً نگاه به شرق نیز می‌بایست معطوف به شرق ایران باشد. گرچه این تفسیر توسط غالب تحلیل‌گران و اندیشمندان ایرانی به صورت ضمنی مورد پذیرش و کاربست قرار گرفته، اما معایبی نیز دارد که مهم‌ترین آن‌ها عدم شمول برخی از مناطق شامل همسایه‌های غربی ایران، کشورهای آفریقایی، منطقه قفقاز و غرب آسیا است. این برداشت کشورهایی از قبیل عراق، حوزه خلیج فارس، سوریه، لبنان، فلسطین، یمن، مصر، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان را شامل نمی‌شود؛ کشورهایی که اتفاقاً در چارچوب ظرفیت‌های همکاری‌جویانه ایران، جایگاه مهمی داشته و یا می‌توانند جایگاه مهمی داشته باشند.

تفسیر حداکثری: در برداشت حداکثری، سیاست نگاه به شرق صرفاً محدود به کشورهای قرار گرفته در مرزهای شرقی و امتداد آن‌ها به سمت شرق آسیا نمی‌شود؛ بلکه گستره وسیعی از مناطق و کشورهای قرار گرفته در شرق جهان را در بر می‌گیرد. بر اساس تفسیر حداکثری، سیاست نگاه به شرق گستره‌ای از چین و ژاپن در شرق آسیا تا هند و پاکستان در منطقه شبه قاره، روسیه و آسیای مرکزی در شمال، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در قفقاز جنوبی، عراق، سوریه، لبنان، امارات، کویت و قطر در غرب آسیا و حتی کشورهای آفریقایی را در بر می‌گیرد.

با توجه به تعاریف و تفاسیر ارائه شده، به نظر می‌رسد که برداشت سوم قرابت بیشتری با موضع‌گیری مقامات سیاسی و همچنین تناسب بیشتری با ظرفیت‌های بالقوه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک ایران در چارچوب راهبرد نگاه به شرق و همچنین سیاست نومنطقه‌گرایانه ایران دارد.

۳-۳. مؤلفه‌های راهبردی در کاربست راهبرد نگاه به شرق توسط ایران

بر مبنای رویکرد نومنطقه‌گرایانه و همچنین بر اساس مدل استراتژیک در سیاست خارجی، کشورها و تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی، با استناد به منافع متصور، به پیگیری راهبردهای خاص در سیاست خارجی اقدام می‌کنند. از جمله مهم‌ترین منافع که ایران در رابطه با نگاه به شرق مدنظر دارد، منافع و مزایای اقتصادی این سیاست است. در شرایطی که روزه‌روز فشارهای سیاسی و اقتصادی در حال افزایش است، این تعامل سازنده با کشورهای شرقی، امکان تحقق بیشتری دارد. بر همین اساس برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و الزامات سیاست نگاه به شرق که بیانگر مطلوبیت این راهبرد در مقابله با چالش‌های سیاست خارجی ایران است، مورد اشاره قرار می‌گیرد:

چالش نخست اثرپذیری کمتر از تحریم‌ها: اولین و مهم‌ترین مزیتی که راهبرد نگاه به شرق در چارچوب مدل استراتژیک سیاست خارجی برای ایران دارد، اثرپذیری کمتر آن از تحریم‌های بین‌المللی است. بعد از خروج آمریکا از برجام و شروع کمپین فشار حداکثری،

در عرض یک سال تجارت ۱۸ میلیارد یورویی ایران با ۲۸ کشور اتحادیه اروپا به ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون یورو (کمتر از یک سوم) کاهش پیدا کرد؛ اما در عین حال تجارت ایران با بسیاری از کشورهای شرقی روند باثبات تری را تجربه کرده است. حتی در برخی موارد از قبیل عراق، افغانستان و اوراسیا شاهد افزایش سطح تجارت با ایران در دوران تحریم‌ها بوده‌ایم. وابستگی متقابلی که بین اقتصاد ایران و برخی از کشورهای شرقی ایجاد شده، باعث مصونیت نسبی آن از تحریم‌ها شده است. (World Bank, 2022) بر این اساس یکی از منطقی‌های اساسی ایران در راهبرد نگاه به شرق، منافع بیشتری است که در تقابل با روند تحریم‌ها کسب می‌کند.

دوم؛ کاهش تهدیدات امنیتی از محیط پیرامونی ایران: منشأ عمده تهدیدات نظامی، امنیتی و سیاسی، نه فقط برای ایران بلکه برای عمده کشورهای جهان، از مبدأ کشورهای پیرامونی است؛ بنابراین یکی دیگر از منافع که کشورها در چارچوب سیاست خارجی همسایه محور دنبال می‌کنند، ارتقا سطح همکاری‌های منطقه‌ای با هدف کاهش تهدیدات امنیتی است. مهم‌ترین تنش‌های سیاسی و امنیتی جهان از قبیل تنش‌های «چین و هند»، «چین و تایوان»، «هند و پاکستان»، «روسیه و اوکراین»، «ترکیه و یونان»، «آذربایجان و ارمنستان» و ... در چارچوب محیط منطقه‌ای بروز و گسترش می‌یابند. در این زمینه، فردریک باستیا اقتصاددان فرانسوی یک گزاره معروف دارد مبتنی بر اینکه: «اگر از مرزها، کالا عبور نکند، سرباز عبور خواهد کرد.» مقصود از این گزاره، اهمیت سیاست و مبادلات تجاری در محیط منطقه‌ای در راستای صلح سازی بین کشورهای همان منطقه است. در زمینه رفع تهدیدات امنیتی در قالب راهبرد سیاست نگاه به شرق می‌توان نزدیک‌ترین و مهم‌ترین خطرات امنیتی پیرامونی را از طریق گفت‌وگو و هم‌افزایی بین دولتی در چارچوب راهبرد نگاه به شرق برطرف کرد (اکوایران، ۱۳۹۹).

سوم؛ ظرفیت‌های اقتصادی راهبرد نگاه به شرق: از جمله دیگر مزایای مهم راهبرد نگاه به شرق در چارچوب مدل استراتژیک سیاست خارجی، پتانسیلی است که این راهبرد می‌تواند به اقتصاد تولیدی و بخش اشتغال ایران بدهد، درحالی‌که در سال‌های اخیر،

ظرفیت‌های اقتصادی ایران در رابطه با غرب، به‌خصوص به دلیل تحریم‌ها بسیار کاهش یافته است. به هر میزان که سهم تجارت آسیایی ایران از کل تجارت کشور افزایش پیدا کند، سطح اشتغال مستقیم و غیرمستقیم به‌خصوص در حوزه‌های تولید، خدمات و حمل‌ونقل نیز افزایش پیدا می‌کند (آدمی، ۱۳۸۹).

چهارم؛ تقویت و تسریع در فرایند همکاری‌های بین ایران و کشورهای شرقی: با توجه به تقویت و گسترش بیش‌ازپیش اتحادهای رقیب همچون ناتو در ابعاد نظامی، امنیتی و سیاسی، فرایند همکاری و همگرایی بین ایران و کشورهای شرقی از قبیل روسیه و چین نیز از طریق افزایش ارتباطات و مشاوره‌های سیاسی تسریع و تقویت شده است (بازیدی و صفری، ۱۴۰۰). با توجه به بحران اوکراین، احتمال تشدید تقابل‌ها با ایران در موضوعاتی از قبیل برنامه هسته‌ای، فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه موشکی نیز زیاد است. در چنین فضایی هرچقدر میزان ارتباطات و تعاملات سیاسی ایران با کشورهای شرقی افزایش یابد، این کشورها می‌توانند نقش برجسته‌تری در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نمایند.

پنجم؛ مقابله مشترک با روند اعمال تحریم‌ها: در طول چند دهه اخیر، تحریم‌ها نه فقط برای ایران، بلکه در کل جهان روندی صعودی داشته است و ایران در کنار، روسیه، چین، سوریه و کره شمالی از جمله کشورهای مهم تحت تحریم به شمار می‌آیند. با توجه به این مسئله، این کشورها در تلاش برای ایجاد مکانیسمی از همکاری‌های سیاسی و اقتصادی هستند که سطح بالاتری در زمینه مصونیت از تحریم‌ها داشته باشد تا روابط سیاسی و اقتصادی بین این کشورها محفوظ بماند. مقابله مشترک کشورهای تحت تحریم با این پدیده باعث ایجاد مکانیسمی از هم‌افزایی اقتصادی و سیاسی می‌شود که می‌تواند سطح اثرات تحریم‌های اقتصادی را تقلیل داده و بدین شکل منافع اقتصادی کشورهای تحت تحریم و از جمله ایران را تأمین نماید.

ششم؛ همکاری علمی و بهره‌گیری از دانش به‌روز: محدودسازی دسترسی ایران، روسیه، چین و برخی دیگر از کشورهای تحریم شده به فناوری‌های نوین در حوزه انرژی، هوش مصنوعی، صنایع نیمه‌هادی، ارتباطات، هوافضا، حمل‌ونقل و ... در

بلندمدت می‌تواند منجر به عقب‌ماندگی از روندهای روبه رشد جهانی گردد. این مسئله باعث شده تا افزایش همکاری با کشورهای شرقی که از عرضه‌کنندگان مهم فناوری و کالاهای تولید شده در این حوزه به شمار می‌آیند، مانع از عقب‌ماندگی کشور از روندهای فناورانه شود.

هفتم؛ سیاست مشترک انرژی: ایران، روسیه و قطر از مهم‌ترین عرضه‌کنندگان انرژی و دیگر کشورهای شرقی همچون چین، هند و پاکستان نیز از مهم‌ترین واردکنندگان انرژی هستند که اتخاذ سیاست انرژی مشترک را به یکی از الزامات مهم روابط خارجی مبدل ساخته است. کاهش عرضه انرژی پس از تحریم‌های روسیه به دلیل بحران اوکراین، موضع ایران را در ارائه چنین ابتکار عملی تقویت ساخته است. تقویت مشورت‌های سیاسی در سطح استراتژیک در مورد مسائل مربوط به امنیت انرژی در همه جنبه‌های آن با مشارکت ایران و کشورهای شرقی، می‌تواند مؤثر واقع شود (حسین زاده، ۱۴۰۰).

هشتم؛ منزلت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی ایران: ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فردی در منطقه برخوردار است و کریدورها و ابتکارات بزرگ شرقی از جمله ابتکار کمربند و راه، راه ادویه جدید و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از مسیر ایران عبور می‌کند. از طرفی دیگر نیاز شرق به انرژی ایران و نیاز ایران به تولیدات جدید شرق، می‌تواند معادله برد - برد را در همکاری‌های ایران با کشورهای شرقی در چارچوب راهبرد نگاه به شرق جاری سازد (ولیعقی زاده و ذکی، ۱۳۸۷).

علاوه بر موارد مذکور ترتیبات و روندهای امنیتی نوظهور، همکاری درازمدت زیرساختی ایران و چین، نقش‌آفرینی مشترک در زنجیره تأمین جهانی با تأکید بر قدرت‌های نوظهور، مشارکت ایران در ابتکاراتی همچون کمربند و راه و کریدور ترانزیتی شمال-جنوب و همچنین مشارکت راهبردی ایران به منظور تنظیم مناسبات با قدرت‌های نوظهور از دیگر مؤلفه‌های راهبردی ایران در سیاست نگاه به شرق است.

۳-۴. آینده راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران

روندها و جریان رویدادهای سیاسی در طول چند دهه اخیر با سرعت و شتاب بیشتری در حال وقوع هستند. تشدید منازعات ژئوپلیتیکی بین روسیه و غرب (Woolley, 2022)، احتمال وقوع جنگ تجاری بین چین و آمریکا در کنار افزایش تنش‌های منطقه‌ای در غرب آسیا باعث شده تا راهبرد نگاه به شرق بیش‌ازپیش در مرکز توجه سیاست‌گذاران ایران در افق ۱۰ ساله قرار گیرد. با عنایت به واقعیاتی که مورد اشاره قرار گرفت و همچنین مؤلفه‌های راهبردی سیاست نگاه به شرق، می‌توان راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در سه حوزه متمرکز نمود که عبارت‌اند از: «شرق آسیا با محوریت چین»، «آسیای مرکزی و قفقاز با محوریت روسیه»، و «غرب آسیا با تأکید بر کشورهای همسایه ایران»؛ بنابراین یکی از مؤلفه‌های مهم در سیاست نگاه به شرق ایران، جایگاه پررنگ چین در مناسبات ژئواکونومیک، جایگاه پررنگ روسیه در مناسبات سیاسی و نظامی و همچنین جایگاه پررنگ کشورهای همسایه در شراکت منطقه‌ای است؛ اما در نهایت این نظام مسائل جمهوری اسلامی ایران است که تعیین‌کننده وزن هر کدام از این واحدها در چارچوب راهبرد نگاه به شرق است.

با توجه به نقش مهم تحریم‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی ایران، طبعاً مناسبات ژئواکونومیک نقش برجسته‌ای در آینده روابط خارجی خواهند داشت و همین مسئله باعث شده تا سهم چین از راهبرد نگاه به شرق در قیاس با سایر بازیگران افزایش یابد (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۲). این امر ناشی از این واقعیت نیز هست که در بین ابرقدرت‌های بالقوه جهان شامل اروپا، هند، چین و روسیه؛ چین از شاخص‌های بالقوه بیشتری در مسیر تبدیل شدن به ابرقدرت آینده نظام بین‌الملل برخوردار است. به‌عبارتی دیگر هرگاه سخن از انتقال قدرت می‌شود، چین در جایگاه محوری آن قرار می‌گیرد. این وضعیت باعث شده تا تداوم صعود چین و موضوع مواجهه جهان با این پدیده، به یکی از مهم‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل در قرن بیست و یکم تبدیل شود. رشد اقتصادی چین و دیپلماسی فعال سیاسی و اقتصادی این کشور، وضعیت آسیای شرقی

را دگرگون ساخته و دهه‌های آینده با شدت بیشتری ادامه خواهد داشت. بنا بر اصلی واقع-گرایانه که قدرت امری نسبی است، هر میزان که چین قدرت بیشتری کسب کند، جایگاه ایالات متحده در سیاست بین‌الملل متزلزل‌تر می‌شود. در این بین، چین تلاش دارد از تأثیر رو به رشد خود برای تغییر قواعد و نهادهای حاکم بر نظام بین‌المللی استفاده کند. سیاستی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم، منافعی را برای ایران نیز در پی خواهد داشت. بر همین اساس در این بخش به برخی از مهم‌ترین دلایلی پرداخته می‌شود که باعث شده تا چین از وزن بیشتری در سیاست نگاه به شرق ایران برخوردار شود:

چین به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده جهان: چین از سال ۲۰۰۹ بزرگ‌ترین صادرکننده کالا در جهان بوده و انتظار می‌رود که این روند در آینده نیز ادامه داشته باشد. در سال ۲۰۱۳، چین به بزرگ‌ترین کشور تجاری در جهان تبدیل شد. کل صادرات این کشور در سال ۲۰۱۹ به ۲.۶۴۱ تریلیون دلار رسیده بود. چین نه تنها بزرگ‌ترین صادرکننده جهان است، بلکه از نظر توازن خالص تجارت (بیش از ۴۲۲ میلیارد دلار) نیز بزرگ‌ترین کشور تجاری است تا جایی که ۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور صادر می‌شود.

چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران: چین در طول دو دهه اخیر همواره از جمله شرکای اول یا دوم تجاری ایران بوده است. با وجود اینکه در طول این سال‌ها امارات نیز از جمله شرکای مهم تجاری ایران بوده است، اما باید این نکته را در ذهن داشت که مبدأ اصلی کالاهای وارداتی از امارات و حتی بخشی از مقصد کالاهای صادراتی ایران به امارات نیز عمدتاً چین است. بالا بودن آمار تجارت ایران با امارات به دلیل راهبرد ایران در مقابله با تحریم‌ها به‌واسطه امارات بوده است که شرکت‌های ایران و چینی از آن استفاده می‌کنند؛ بنابراین بخش قابل توجهی از تجارت ایران و امارات نیز متعلق به روابط تجاری با چین است و امارات در این بین نقش واسط را ایفا می‌نماید.

عنوان	ارزش (دلار)	وزن (کیلوگرم)	سهم از کل ارزش	رتبه	درصد تغییرات نسبت به مدت مشابه سال قبل
صادرات ج.ا.ایران	۸۰۹۸۶۳۵۰۹۱	۲۴۵۲۳۸۸۶۳۸۵	۲۶%	۱	-۹
واردات ج.ا.ایران	۸۷۹۱۲۹۴۹۵۴	۳۲۴۲۳۰۸۰۰۷	۲۵%	۱	-۱۱
حجم کل تجارت	۱۶۸۸۹۹۳۰۰۴۵	۲۷۷۶۶۱۹۴۳۹۲	۲۵%	۱	-۱۰
تراز بازرگانی	۶۹۲۶۵۹۸۶۳۰	۲۱۲۸۱۵۷۸۳۷۸	-		

جدول ۱: میزان مراودات اقتصادی ایران و چین

جایگاه برتر چین در تجارت جهانی: چین جز شرکای اصلی بیش از ۱۲۰ کشور جهان از جمله ایالات متحده، کشورهای اروپایی و سایر کشورها است. بر اساس اداره کل گمرک (GAC)، کل واردات و صادرات کالاهای چین با رشد ۳۲.۲ درصدی از سال گذشته به ۵.۴۴ تریلیون یوان (۸۳۴.۴۹ میلیارد دلار) در دو ماه اول سال ۲۰۲۱ رسیده است. (World Bank, 2021)

حجم بزرگ اقتصاد چین: گرچه تولید ناخالص داخلی چین بر اساس شاخص اسمی^۱ در رده دوم جهانی قرار دارد، اما بر اساس شاخص برابری قدرت خرید، تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۷ از ایالات متحده سبقت گرفت. بر اساس شاخص برابری قدرت خرید، تولید ناخالص داخلی چین بیش از ۲۴ تریلیون دلار است در حالی تولید ناخالص داخلی آمریکا، کمتر از ۲۱ تریلیون دلار است. به عبارتی دیگر، بر اساس تولید ناخالص داخلی با شاخص برابری قدرت خرید^۲، چین بزرگ‌ترین اقتصاد جهان به شمار می‌آید. بر اساس تخمین‌های اقتصادی، اقتصاد چین در سال ۲۰۲۸ بر اساس شاخص اسمی نیز از اقتصاد ایالات متحده پیشی خواهد گرفت (International Monetary Fund, 2021).

دسترسی چین به فناوری‌های نوین: چین در سال‌های اخیر در بسیاری از فناوری‌های نوین، پیشگام بوده است. این کشور در شاخص‌های رقابت جهانی، سرمایه‌گذاری در

1. GDP Nominal

2. GDP Purchasing Power Parity (GDP PPP)

تحقیق و توسعه، زیرساخت‌ها و پذیرش فناوری رتبه بالایی را کسب کرده است. به‌عنوان مثال در سال گذشته مشاغل چینی ۴۷۳ مورد از ۶۰۸ حق ثبت اختراع هوش مصنوعی در سازمان جهانی مالکیت معنوی را ثبت کرده و یک سوم از کل اختراعات بلاکچین جهان را ثبت کردند. ارزش بازار هوش مصنوعی در چین در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۲۳ میلیارد دلار افزایش یافته است (Chipman Koty, 29 July 2021).

قدرت نظامی چین: چین با فاصله بسیار کمی از روسیه، قدرت نظامی سوم جهان است، اما این کشور در سال‌های پیش رو از روسیه نیز پیشی خواهد گرفت و به قدرت دوم نظامی جهان تبدیل خواهد شد. چین در بسیاری از شاخص‌های مربوط به سنجش قدرت نظامی در رتبه‌های اول و دوم قرار دارد. به‌عنوان مثال در زمینه نیروی انسانی، ادوات نظامی از جمله کشتی و زیردریایی، چین رتبه اول را دارد. یا در زمینه بودجه دفاعی - نظامی رتبه دوم را داراست (Global Firepower, 2021). موقعیت چین در زمینه تولید تسلیحات و ادوات نظامی، پتانسیل بالایی را برای همکاری با کشورهای هم‌چون ایران فراهم ساخته است.

توان سایبری چین: چین در بسیاری از شاخص‌های قدرت سایبری پس از ایالات متحده، در رتبه دوم قرار دارد و از این نظر در زمره جامع‌ترین قدرت‌های سایبری جهان قرار دارد (Inkster, 2016).

قدرت نرم فزاینده چین در سطح جهان: چین یکی از رو به رشدترین روندها را در زمینه افزایش قدرت نرم خود تجربه نموده است. به‌عنوان مثال بازار رو به رشد سینمای این کشور و تولیدات سینمایی آن بیانگر بخشی از این روند است. این کشور برنامه‌ریزی متمرکزی را برای تولید سالانه ۵۰ فیلم با فروش بیش از ۱۵ میلیون دلار انجام داده است تا در سال ۲۰۳۵ این کشور را به یکی از قدرت‌های فرهنگی جهان بدل سازد (Davis, 2021).

۳-۵. الگوی مطلوب ایران در پیاده‌سازی راهبرد نگاه به شرق

با توجه به مطالب گفته شده، راهبرد سیاست نگاه به شرق در سطوح مختلف موضوعی در تلاش است تا برخی از مسائل سیاست خارجی را که عمدتاً بعد اقتصادی و سیاسی

دارند حل و فصل نماید و از ظرفیت‌های داخلی ایران به شکلی کارآمدتر استفاده کند. پیاده‌سازی این راهبرد در راستای ارتقاء سطح مطلوبیت آن در تأمین اهداف ملی می‌تواند در دو مرحله انجام شود:

مطلوب نخست؛ شناسایی و استخراج فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط شرق: پیاده‌سازی راهبرد سیاست نگاه به شرق در وهله اول نیازمند احصاء فرصت‌ها و محدودیت‌های این منطقه برای جمهوری اسلامی ایران است. طبعاً بدون شناخت از فرصت‌ها و محدودیت‌های محیطی، امکان پیاده‌سازی واقع‌بینانه راهبرد سیاست نگاه به شرق فراهم نخواهد شد. به‌عنوان مثال ۱۵ کشور همسایه ایران که در برداشت حداکثری، بخشی از حوزه جغرافیایی سیاست نگاه به شرق تعریف می‌شوند، مجموعاً ۱۱۰۰ میلیارد دلار واردات دارند، درحالی‌که سهم ایران از واردات کشورهای همسایه کمتر از ۲٪ است. این سهم کم از تجارت منطقه‌ای در کل محیط شرقی نیز وجود دارد. این وضعیت در شرایطی که ایران از جمله تحت تحریم‌ترین کشورهای دنیا بوده و تجارت با کشورهای همسایه و برخی دیگر از کشورهای شرقی نیز اثرپذیری کمتری از تحریم‌های اقتصادی دارند، نامطلوب به نظر می‌رسد. علاوه بر این، به دلیل دسترسی جغرافیایی به بازارهای شرقی هزینه‌های حمل‌ونقل و جابجایی کالا در تجارت با این محیط بسیار کمتر از تجارت با مناطق دورتر است و کالاهای و خدمات ایرانی در مقایسه با سایر مناطق جهان از اقبال بیشتری در این منطقه برخوردار است.

مطلوب دوم؛ احصاء ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی داخلی متناسب با محیط شرقی: پیاده‌سازی راهبرد نگاه به شرق در وهله دوم مستلزم شناخت ظرفیت‌های فعال نشده در سطح تحلیل ملی است تا با یک برنامه راهبردی، ظرفیت‌های داخلی، با نگاه به نیازهای محیط شرقی احیاء شوند. در حال حاضر ظرفیت خالی اقتصادی در حوزه‌های مختلفی همچون تولیدات صنعتی، کشاورزی، سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات وجود دارد که به دلیل کمبود تقاضا، فعال نشده‌اند؛ بنابراین در صورتی که ایران ظرفیت‌های خالی اقتصادی را با نگاه به بازار بزرگ‌تر در محیط شرقی فعال کند، می‌تواند در بازه میان‌مدت، تولید ناخالص داخلی را به شکل محسوسی افزایش بدهد.

با استناد به آنچه گفته شد، راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی در راستای تأمین منافع ملی کشور برخوردار است. در این راستا برخی از پیشنهادهای سیاستی و اجرایی برای ارتقاء سطح مطلوبیت این راهبرد به شرح ذیل است:

مطلوب سوم؛ تکمیل صنایع تولیدی کشور با اولویت‌دهی به نیازهای وارداتی کشورهای شرقی: با توجه به واردات گسترده کشورهای شرقی، می‌توان در میان‌مدت سهم ۲ درصدی ایران از واردات کشورهای منطقه و سهم کمتر از واردات کشورهای شرقی را با ارتقای صنایع تولیدی در بخش‌های مورد نیاز این کشورها، به ۴ درصد افزایش داد. این تغییرات می‌تواند میزان صادرات ایران را به میزانی نزدیک به دو برابر افزایش دهد.

مطلوب چهارم؛ مدیریت پایانه‌های ارزی ایران در محیط شرقی: دسترسی به ارز یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور در شرایط تحریمی است که از کانال پایانه‌های ارزی منطقه‌ای قابل دسترسی است. قبل از اعمال تحریم‌های جدید در سال ۲۰۱۸ و حتی پس از آن نیز بخش عمده‌ای از ارز مورد نیاز کشور از طریق کشورهایی از قبیل امارات تأمین می‌شد که با توجه به رویکرد سیاسی و اقتصادی این کشور، یک نوع آسیب‌پذیری برای ایران قلمداد می‌شود.

مطلوب پنجم؛ تنظیم و تصویب سند جامع همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای شرقی: اسناد جامع همکاری با الگوگیری از اتحادیه‌های موفق منطقه‌ای، می‌تواند سطح روابط را از همکاری معمولی به سطوح راهبردی و وابستگی متقابل ارتقا دهند.

مطلوب ششم؛ مدیریت یکپارچه و مشترک با کشورهای شرقی در اموری همچون کنترل گذرگاه‌های ارتباطی: مدیریت مشترک امنیتی و نظامی در حوزه مرزی و گذرگاه‌ها، ضمن کاهش بحران‌های امنیتی مرزی، به ارتقاء تبادلات تجاری و اجتماعی می‌انجامد.

مطلوب هفتم؛ سوآپ ارزی با کشورهای شرقی: از طریق انجام سوآپ ارزی با کشورهای شرقی، می‌توان وابستگی تجارت خارجی کشور به ارزهای واسطه از جمله دلار

و یورو را کاهش داده و مراودات اقتصادی را تسهیل نمود. در این روش با ایجاد یک قرارداد مبنی بر استفاده از ارزهای دو کشور جهت انجام مبادلات، به‌نوعی ارزهای ثالث از روابط تجاری حذف می‌شوند.

مطلوب هشتم؛ تسویه مالی چندجانبه: از طریق روش تسویه مالی چندجانبه می‌توان بخش زیادی از بدهی‌های خارجی کشور و نیازهای ایران به تجارت با جهان را حل کرد و باعتبار موجود در کشورهای شرقی، نیازهای مالی ایران در کشورهای ثالث تسویه گردد.

مطلوب نهم؛ تأسیس بانک مشترک و یا تسهیل تأسیس شعب بانک‌های کشورهای شرقی در ایران و بانک‌های ایران در کشورهای شرقی: از طریق ایجاد یک بانک مشترک که بانک‌های مرکزی دو کشور سهام‌دار آن باشند، می‌توان تجارت بین کشورهای شرقی را تا حد زیادی تسهیل نمود. از این طریق، مشکل ارائه ضمانت‌نامه (ال سی) برای شرکت‌های ایرانی در کشورهای شرقی، تسویه بدهی‌های طرفین و ارائه تضامین بانکی را می‌توان مرتفع نمود. علاوه بر این برای تسهیل تجارت دوطرفه و گسترش استفاده از ارزهای دوجانبه، نیاز است تا بانک‌های کشورهای شرقی، در ایران اقدام به تأسیس شعبه کنند تا تجار بتوانند با افتتاح حساب در این بانک، ارزهای ملی خود را در ایران تبدیل به ریال نمایند.

مطلوب دهم؛ افزایش صادرات گاز ایران به کشورهای منطقه: ایران ظرفیت صادرات روزانه ۲۰۰ میلیون متر مکعب گاز را دارد. به‌عنوان مثال در حال حاضر، صادرات گاز به عراق (۷۰ میلیون متر مکعب) در سطح یک‌دوم سقف قرارداد اجرا می‌شود که بیشتر آن در نیروگاه‌های عراق جهت تولید برق مورد نیاز آن کشور، مصرف می‌شود. با توجه به نیاز روزافزون عراق و سایر کشورهای منطقه همچون پاکستان و افغانستان به واردات گاز از ایران، می‌توان حجم وابستگی این کشورها به منابع انرژی از ایران را تقویت نمود.

مطلوب یازدهم؛ حضور پررنگ‌تر ریزبان بازرگانی در شرکای تجاری مهم شرقی که منجر به حل سریع‌تر مسائل و مشکلات تجار و شرکت‌های ایرانی در خارج از کشور می‌شوند.

مطلوب دوازدهم؛ ارتقاء سطح فعالیت انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی به‌خصوص در کشورهای پیرامونی که از نیاز بیشتری در این حوزه برخوردارند. مطلوب سیزدهم؛ گسترش دفاتر صادرکنندگان ایران در کشورهای شرقی با محوریت بخش خصوصی که منجر به ارتقاء سطح دسترس‌پذیری کالاها و خدمات تولیدی ایران در کشورهای مقصد می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

قدرت‌های شرقی، هر یک با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود برای شکل‌دهی به نظم بین‌المللی، به دنبال تقویت همکاری‌های بین‌المللی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و تجاری، نهادسازی دو یا چندجانبه، مشارکت در سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی و تغییرات آب و هوایی، مبارزه با تروریسم جهانی و نقش‌آفرینی در تأسیس و صیانت از رژیم‌های عدم اشاعه و نهایتاً کمک به تحقق توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه از طریق سرمایه‌گذاری زیرساختی و بسط مراودات اقتصادی هستند. رویکرد بسیاری از این قدرت‌های در حال ظهور، نزدیکی بسیاری به مواضع ایران پیرامون موضوعات مزبور دارد. این وضعیت در کنار رویکرد تشدید شونده غرب در اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی به ایران، سیاست نگاه به شرق را به معامله‌ای برد-برد برای ایران مبدل ساخته که برندگان آن طرفین این همکاری هستند. به بیانی دیگر، اگر زمانی سیاست نگاه به شرق، یک «انتخاب راهبردی» برای جمهوری اسلامی ایران بود، با توجه به تحولات بین‌المللی، در حال حاضر به یک «ضرورت راهبردی» در سیاست خارجی تبدیل شده است.

در چارچوب مدل استراتژیک از تحلیل سیاست خارجی، راهبرد نگاه به شرق به‌عنوان سیاستی شناخته می‌شود که در عین ریسک‌پذیری کمتر، منافع بیشتری را نیز برای ایران در پی دارد. منافع مورد اشاره چه در حوزه اقتصادی از قبیل تقابل با تحریم‌ها و چه در حوزه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی همچون مراودات و تأمین تسلیحات، آسیب‌ها و ریسک‌های کمتری در قیاس با روابط پرفرازونشیب با قدرت‌های غربی دارد. این مسئله

به‌خصوص با توجه به سطح بالاتر تأثیرپذیری روابط ایران و غرب (از جمله اروپا) از قدرت‌های ثالث همچون آمریکا، قابل‌درک است. مجموع عوامل مذکور در کنار تحولات رخ داده در توزیع جهانی قدرت، باعث شده تا نگاه به شرق وزن بیشتری در راهبردهای سیاست خارجی ایران کسب کند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اخوان، منیره (۱۳۹۲) تأثیر سیاست نگاه به شرق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات نظری.
- آدمی، علی (۱۳۸۹) راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها. فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره: ۲، شماره ۷.
- بایزیدی، رحیم (۱۴۰۰) گذار از نظم اقتصاد سیاسی بین‌الملل آمریکا محور: روند پژوهی کاربردی ابزار تحریم و جهان‌روایی دلار. فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱.
- بایزیدی، رحیم و صفری، عسگر (۱۴۰۰) استراتژی سیاسی و نظامی ناتو در چشم‌انداز ۲۰۳۰ و پیامدهای جهانی. سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۱۵.
- حسین زاده، وحید (۱۴۰۰) جایگاه گاز طبیعی در دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه: ظرفیت‌ها و موانع. مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۴، شماره ۲.
- دهشیری، محمدرضا و رضایی جعفری، محسن (۱۳۹۳) نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران. فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲.
- سازمند، بهاره و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۲) ایران، چین و چالش‌های فراروی همکاری‌های فراگیر. فصلنامه سیاست، دوره ۴۳، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها. انتشارات سمت.
- مجیدی، محمدرضا و همکاران (۱۴۰۱) جمهوری اسلامی ایران و سیاست نگاه به شرق. انتشارات خاوران فردا با همکاری پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- ولیقلی زاده، علی و ذکی، یاشار (۱۳۸۷) بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS. فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، شماره: ۳ (پیاپی ۱۳).
- هالستی، کی. جی. (۱۳۹۰). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل. اداره نشر وزارت امور خارجه.
- هیل، کریستوفر (۱۳۸۷). ماهیت متحول سیاست خارجی. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب. منابع انگلیسی

- Chipman Koty, Alexander (29 July 2021). "Artificial Intelligence in China: Shenzhen Releases First Local Regulations". china-briefing.
- Davis, Rebecca (2021). China Eyes 100,000 Movie Screens and Closer Ties to Cannes: Six Takeaways From Country's Five-Year Film Plan. Variety. Available at: <https://variety.com/2021/film/news/china-cannes-movies-screens-film-plan-1235112965/>
- Global Firepower (2021) Available at: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.php>
- International Monetary Fund (2021). Available at: <https://www.imf.org/en/Publications/SPROLLS/world-economic-outlook-databases#sort=%40imfdate%20descending>
- Nigel Inkster (2016). China's Cyber Power. International Institute for Strategic Studies (IISS). Available at: www.iiss.org/publications/adelphi/2016/chinas-cyber-power
- Woolley, Ursula (2022) Ukraine and Putin's Post-Soviet Imperialism. Political Insight, Volume 13, Issue 1. <https://doi.org/10.1177/20419058221091631>
- World Bank (2021). Available at: wits.worldbank.org
- World Bank (2022). Available at: wits.worldbank.org/CountryProfile/en/IRN

ج. وبسایت‌ها

- اکو ایران (۱۶ آذر ۱۳۹۹). فردریک باستیا مدافع تجارت آزاد. قابل دسترس در: www.ecoiran.com/fa/tiny/news-2979

